



رساله پیروزی و مقاله نوری

شرح قصیده بدایع الاسحار فی صنایع الاشعار قوامی مطرزی گنجوی

محمود بن عمر نجاتی نیشابوری

سده هشتم هجری

تحقیق و تصحیح

بهر روز ایمانی





- سرشناسه: نجاتی نیشابوری، محمود بن عمر، قرن ۸ ق.
- عنوان و نام پدیدآور: رساله پیروزی و مقاله نوری / تألیف محمود بن عمر نجاتی نیشابوری: تحقیق و تصحیح دکتر بهروز ایمانی.
- عنوان قراردادی: شرح قصیده بدایع الاسحار فی صنایع الاشعار (منظومه). شرح.
- مشخصات نشر: تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری سخن، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری: ۲۷۵ ص.
- فروست: مجموعه انتشارات تاریخی و ادبی دکتر محمود افشار: ۲۹۰. گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری: ۱۰۲.
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۰۶-۱۳-۰
- وضعیت فهرست نویسی: فیبا
- موضوع: قوامی گنجوی، قرن ۶ ق. بدایع الاسحار فی صنایع الاشعار (منظومه) -- نقد و تفسیر
- موضوع: شعر عربی -- قرن ۶ ق. -- تاریخ و نقد
- موضوع: Arabic Poetry -- 12th Century -- History and Criticism
- شناسه افزوده: ایمانی، بهروز، ۱۳۵۰- مصحح.
- رده‌بندی کنگره: PJA۴۱۵۳
- رده‌بندی دیویی: ۸۹۲/۷۱۳
- شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۵۴۰۸۷

رساله پیروزی و مقاله نوری

شرح قصیده بدایع الاسرار فی صنایع الاشعار قوامی مطرزی گنجوی



محمود بن عمر نجاتی نیشابوری

سده هشتم هجری

تحقیق و تصحیح



دکتر بهروز ایمانی



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۱۰۲]

گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری



هینت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر ژاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبیایی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفايي (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



رساله پیروزی و مقاله نوری

شرح قصیده بدایع الاسحار فی صنایع الاشعار قوامی مطرزی گنجوی



محمود بن عمر نجانی نیشابوری

سده هشتم هجری



تحقیق و تصحیح : دکتر بهروز ایمانی

گرافیسٲ، طراح و مجری جلد : کاوه حسن بیگلر

صفحه آرا : محمود خانی

لینتوگرافی : صدف

چاپ متن : آزاده

صحافی : حقیقت

تیراژ : ۲۲۰۰ نسخه

چاپ اول : ۱۴۰۰

ناشر : انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه پارکوی، خیابان عارف نسب، کوی لادن، شماره ۶

تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ - دورنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵ - ۶۶۹۵۳۸۰۴ - دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵ - ۶۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت



متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)

وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی) - رئیس دانشگاه تهران (با معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ وقفنامه)

متولیان منصوب و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - دبیر)

سید محمود دعایی (نایب رئیس شورا) - دکتر احمد میر (بازرس) - ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

هیئت مدیره (منتخب شورای تولیت)



دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیئت مدیره) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس هیئت مدیره)

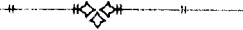
دکتر محمد افشین وفایی (مدیر عامل) - محمد رضا رضایزدی (خزانه دار)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار

ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منسوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهربانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار
بهروز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیئت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳) - دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح
دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر علی محمد میر - دکتر محمد علی هدایتی



یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابر این کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زبان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده بایست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشنندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با مایاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

هفتم

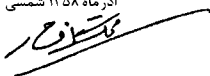
چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هریک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاربیزی

آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی



تکمله سوم



کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می شود صد درصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در برداشته، کتبی که بویی از ناحیه گرایی و جدایی طلبی و حکایت از رواج زبان های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه آمیز و روش ها و سیاست های فتنه انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می شود باید منزه باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبدا چنین رسالاتی سال ها بعد از ما نخواسته و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد. ان شاء الله

تکمله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان.

کتاب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه گرایی و جدایی طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه های محلی و زبان های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب ها و رسالات باید منزه باشد از روش های تفرقه آمیز و سیاست های فتنه انگیز، چه به طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفاظی پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران شناسی.

کتاب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاژ و هوچی گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چو نتوان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتاب و رسالات نه تنها هزینه و حق الزحمه نمی خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب های خود به طور مسلّم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می خرید دانه ای دو شاهی، می پخت و رنگ می کرد و می فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می کنیم سود معنوی که منظور ماست می بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده آل و هدف ملی خود محسوب می داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشر شده در ابتدای کتاب های این بنیاد که اضافات و تفاوت هایی با هم دارد توجه فرمایید.

تقدیم به دوست دانشور و نکته‌دان
جناب آقای سید عبدالرضا موسوی طبری



فهرست مطالب

۲۳	پیشگفتار
۲۷	مقدمه مصحح
۲۷	قوامی مطرزی گنجوی و بدایع الاسحار او
۳۲	احوال نجاتی نیشابوری
۳۳	نام و نسب
۳۳	زادگاه
۳۳	تاریخ تولد
۳۳	سفرها
۳۴	اقامت در تبریز
۳۶	گستره دانش

۳۷	تاریخ وفات.....
۳۷	سالشمار زندگی.....
۳۸	شخصیت‌های معاصر نجاتی.....
۴۲	آثار نجاتی.....
۴۲	بساتین الفضلاء و ریاحین العقلاء.....
۵۳	اعراب القصائد الثلاث وایضاح غوامض الابحاث.....
۵۸	شرح الرسالة القوسية.....
۶۳	الكافية فی العروض والصنعة والقافية.....
۶۴	اجازه روایت بساتین الفضلاء به خلیفه نیشابوری.....
۶۶	مکتوب نجاتی.....
۷۳	سروده‌ها.....
۷۴	کتابت.....
۷۹	درباره رساله پیروزی و مقاله نوروزی.....
۸۱	دستنویسهای مورد استفاده.....

رساله پیروزی و مقاله نوروزی

۸۵	دیباچه مؤلف.....
۸۹	حسن المطلع والترصیع.....
۹۲	الترصیع مع التّجنیس.....
۹۲	التّجنیس التّام.....
۹۳	التّجنیس الزّائد.....
۹۴	التّجنیس النّاقص.....
۹۵	التّجنیس المَرکّب.....
۹۶	التّجنیس المکرّر.....
۹۷	التّجنیس المطرّف.....
۹۸	التّجنیس المخطّط.....

٩٨	الاشتقاق
٩٩	سجع الموازنة
١٠٠	السَّجْع المتوازی
١٠١	السَّجْع المطرّف
١٠١	مقلوب البعض
١٠١	مقلوب الكلّ
١٠٢	المقلوب المُجَنِّح
١٠٢	المقلوب المستوی
١٠٣	ردّ العجز على الصدر
١٠٥	النوع الثانی منه
١٠٦	النوع الثالث منه
١٠٦	النوع الرابع منه
١٠٧	القسم الاول من النوع الخامس
١٠٧	القسم الثاني من النوع الخامس
١٠٨	القسم الاول من النوع السادس
١٠٨	والقسم الثاني من النوع السادس
١٠٩	المتضاد
١١٠	الاعنات و يُسمى هذه لزوم ما لا يلزم
١١٥	تضمين المزدوج
١١٦	المستعار
١١٧	مراعات التّظير
١١٨	الموجّه
١١٨	محتمل الضدين
١١٩	تأكيد المدح بما يشبه الذمّ
١٢٠	الالتفات
١٢٠	الايهام

١٢٥	التشبيه المطلق
١٢٧	تشبيه التفضيل
١٢٧	تأكيد التفضيل
١٢٨	التشبيه المشروط
١٢٩	تشبيه الاضمار
١٢٩	التشبيه التسوية
١٣٠	تشبيه الكناية
١٣١	سياقة الاعداد
١٣٢	تنسيق الصفات
١٣٣	الحشو القبيح
١٣٣	الحشو المتوسط
١٣٤	الحشو المليح
١٣٤	المتلون
١٣٦	ارسال المثل
١٣٦	ارسال المثليين
١٣٧	اللُّغز
١٣٨	مطلع ذى القافيتين
١٤١	تجاهل العارف
١٤١	السؤال والجواب
١٤٢	الملمع
١٤٣	الموشح
١٤٥	المقطع
١٤٥	الموصل
١٤٦	المجرد
١٤٧	الرقطاء
١٤٨	الخيفا

١٤٩	المُعَمَّى
١٤٩	التَّضْمِين
١٥٢	التَّفْرِيق المَفْرَد
١٥٢	الْجَمْع مع التَّفْرِيق
١٥٣	الْجَمْع مع التَّقْسِيم
١٥٤	التَّقْسِيم المَفْرَد
١٥٤	الْجَمْع المَفْرَد
١٥٥	الْاِغْرَاق فِي الصِّفَةِ
١٥٧	الْكَلَام الْجَامِع
١٥٧	حَسَن التَّخْلُص
١٥٨	تَفْسِير الْجَلِي
١٥٩	تَفْسِير الْخَفِي
١٥٩	الْجَمْع وَ التَّفْرِيق وَ التَّقْسِيم
١٦٠	الْمُتَزَلِّزِل
١٦١	الْاِبْدَاع
١٦٣	التَّعْجِب
١٦٣	الطَّرْد وَالْعَكْس
١٦٤	حَسَن التَّعْلِيل
١٦٥	الْمَكْرُزِر
١٦٦	حَسَن الطَّلَب
١٦٧	حَسَن الْمَقْطَع
١٦٩	رَدِيف
١٧٣	تَرْجَمَه
١٧٣	حَرَارَه
١٧٣	تَسْمِيط
١٧٦	تَرْجِيع

۱۷۷		مرئع
۱۷۸		تدویر
۱۷۸		مصرع
۱۷۸		تشریع
۱۷۹		تأکید الذم بما يشبه الذم
۱۷۹		استدراک
۱۸۰		لف و نشر
۱۸۱		مذهب کلامی و طریقه حکمی
۱۸۱		تجرید
۱۸۲		اصلاح المذال
۱۸۳		مستزاد
۱۸۴		اطراد
۱۸۵		تلمیح
۱۸۵		عقد
۱۸۷		حل
۱۸۸		تصحیف
۱۸۹		مدح
۱۸۹		هجو
۱۸۹		تشبیب
۱۸۹		خصی
۱۸۹		متنافر
۱۸۹		متلایم
۱۸۹		ارتجال
۱۹۰		جزالت
۱۹۰		سلاست
۱۹۱		سهل ممتنع

۱۹۳	تصویر دستنویسها
۲۰۵	پیوستها
۲۰۵	توضیحات دیباچه
۲۰۶	توضیحات آیات
۲۱۶	توضیحات صنایع متفرقه
۲۲۱	نمایه‌ها
۲۲۳	آیات، احادیث، روایات و اقوال
۲۲۵	اشعار تازی
۲۲۷	اشعار نجاتی (برگرفته از رساله پیروزی)
۲۴۱	اشعار پارسی
۲۴۹	نامها
۲۵۳	جایها و کتابها
۲۵۵	واژه‌نامه (واژه‌های دشوار)
۲۵۹	اصطلاح‌نامه (ادبی)
۲۶۳	کتابنامه

به نام صورت‌آرای معانی

پیشگفتار

از سالها پیش، چند متن و رساله را در دست تحقیق و تصحیح داشتم و در هر مجالی و حالی که از دست روزگار می‌یافتم، به تکمیل این تحقیقات و تصحیحات می‌پرداختم. در شهریور ماه سال ۱۳۹۶ گرفتار بیماری قلبی شدم و بسی نمانده بود که قلبم از تپش بازماند و مرگم درُیاید و همه کارها و بارهایم بر زمین تعطیل و انهداده شود. در بیمارستان که بستری بودم و طبیبان مشفق و حاذق می‌خواستند سینه‌ام را بشکافند و قلبم را جراحی کنند، تنها به دو چیز می‌اندیشیدم: خانواده‌ام که در مرگم بسیار اندوهگین و بی‌قرار می‌شدند و کارهای تحقیقاتی‌ام که ناقص مانده بودند. با نظر و عنایت خدای

مهربان، و تلاشها و توجّهاات طبیب عیسی دم، دکتر مسعود مجیدی تهرانی و همکاران او در بیمارستان لاله تهران، عمل جراحی با موفقیت به انجام پیوست و دوباره خون زندگی در وجودم جریان یافت. خدای را سپاسگزارم که دوباره موهبت هستی و نعمت حیات بر من بخشید تا چند صباحی نیز در کنار خانواده و دوستان باشم و کارهای ناتمام را به دامنه انجام بپیوندم و بارهای وامانده را به منزل مقصود رسانم. تحقیق و تصحیح رساله پیروزی و مقاله نوروزی یکی از همین کارها و بارها بوده است که اینک به توفیق خدای رحمان، به اتمام و انجام آن موفق شدم. سپاسگزارم از همه دانشوران و دوستانی که به هر نحوی به یاریام برخاستند تا این اثر به بازار نشر برآید:

خاندان زنده‌یاد استاد ایرج افشار که سرمایه‌های معنوی و مادی خود را برای تعالی و ارتقای معارف اسلامی و ایرانی مصروف می‌دارند.

دوست دانشمند، جناب آقای دکتر محمد افشین‌وفایی که با وجود و حضور خود در بنیاد موقوفات افشار، خدمات ارزنده‌ای را در انتشار منابع اصیل تراثی رقم زدند.

دانشور گرامی، جناب آقای علیرضا عبدالهی کچوسنگی که با زحمت تمام، تصویر دستنویس دارالکتب قاهره را برایم فراهم کردند. هر کجا هست، خدایا به سلامت دارش.

دوست دانشمندم جناب آقای علی صفری آق‌قلعه که دستنویس کتابخانه کنگره آمریکا را معرفی کردند و تصویر آن را در اختیارم نهادند تا انگیزه‌ام برای تصحیح این متن، دوچندان شود.

همکارانم در مرکز پژوهش کتابخانه مجلس (خانم فاطمه بوجار، خانم مهری خلیلی، آقای سید محمدحسین مرعشی، آقای دکتر امید سروری و مرتضی حسن‌زاده).

یاران فاضل، جناب آقای ارطغرل ارتگین، جناب آقای دکتر گودرز رشتیانی، جناب آقای دکتر عباس بگجانی، جناب آقای دکتر مهدی رحیم‌پور، جناب آقای سید محمدحسین حکیم، جناب آقای امیر منصوری و جناب آقای دکتر علیرضا قوجه‌زاده.

رفیق هنرمند، جناب آقای محمود خانی که اوراق این کتاب را بدین زیبایی آراستند.

و عزیزانم خانم مهسا صفاری و پارسا ایمانی که همراهان همواره من هستند.

بهروز ایمانی

تهران - ۱۴۰۰

مقدمه مصحح

قوامی مطرزی گنجوی^۱ و بدایع الاسحار او

محمد بن ابی بکر قوامی مطرزی گنجی / گنجوی^۲، سراینده نیمه دوم سده

۱. درباره قوامی مطرزی، پیش از این، چند تحقیق بسیار مختصر انجام پذیرفته است: «شرح قصیده بدایع الاسحار فی صنایع الاشعار»: بهروز ایمانی، گنجینه بهارستان (ادبیات فارسی ۱)، ۱۳۸۰، صص ۹۳-۹۵. «نخستین بدیعیه فارسی»: سید ابراهیم دیباجی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۲، صص ۲۷-۳۴. «قوامی گنجوی»: رسولی، دانشنامه ادب فارسی، ج ۵، صص ۴۴۲-۴۴۲. «گفتاری در تکمیل دیوان قوامی رازی و تصحیح قصیده بازیافته ای از او»: جواد بشری، آینه میراث، شماره ۵۲، تابستان ۱۳۹۲، صص ۴۲-۴۳. «قوامی گنجوی مطرزی»: شهناز سلطانزاده، دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۵، صص ۲۷۶-۲۷۷.

۲. رساله پیروزی، ر.ک: ص ۸۷. کشف الظنون، ج ۱، ص ۲۲۹.

۶ق. است^۱ که اطلاعات چندان از او در دست نیست و با قصیده بدایع الاسحار فی صنایع الاشعار شناخته شده است. نام او را احمد^۲ نیز نوشته‌اند. به القاب جمال الدین^۳، ابوالفضایل^۴ و قوام الدین^۵ خوانده شده است. او را عمو^۶ یا برادر^۷ نظامی گنجوی دانسته‌اند که درست نیست و سندی موثق و متقن برای اثبات این ادعا وجود ندارد و پیش از این، سعید نفیسی این ادعا را رد کرده^۸ و وحید دستگردی نیز خلاف واقع دانسته است.^۹

قوامی شاعری استاد بوده^{۱۰} و «در معارف و مواعظ و ذوقیات و زهدیات، قصاید و اشعار بسیار» داشته است^{۱۱}، اما اکنون از دیوان او دستنوشته‌ای در دست نیست و اشعار پراکنده‌ای از او در تذکرها، جنگها و دیگر آبشخورهای تاریخی و ادبی ثبت شده است^{۱۲}.

دیوان قوامی در روزگار تقی کاشی در دست بوده و از وجود آن خبر داده است:

«گویند دیوان او قریب به هشت هزار بیت هست، لیکن الیوم، نایاب و

۱. درباره قوامی در منابع کهن، رک: تذکرة الشعراء، ص ۱۲۸. خلاصة الاشعار، ج ۳، صص ۷-۹. عرفات العاشقین، ج ۶، صص ۳۳۸۱-۳۳۹۲. مجمع الفصحاء، ج ۱، بخش ۳، ص ۱۷۰۶.
۲. خلاصة الاشعار، ج ۳، ص ۷.
۳. کشف الظنون، ج ۱، ص ۲۲۹.
۴. خلاصة الاشعار، ج ۳، ص ۷.
۵. خلاصة الاشعار، ج ۳، ص ۷.
۶. عرفات العاشقین، ج ۳، ص ۳۳۸۶.
۷. تذکرة الشعراء، ص ۱۲۸.
۸. دیوان قصاید و غزلیات نظامی گنجوی، صص ۳-۴.
۹. سبعة حکیم نظامی، ج ۱، ص یب.
۱۰. تذکرة الشعراء، ص ۱۲۸.
۱۱. خلاصة الاشعار، ج ۳، ص ۷.
۱۲. عرفات العاشقین، ج ۳، صص ۳۳۸۶-۳۳۹۳. مجمع الفصحاء، ج ۱، بخش ۳، صص ۱۷۰۶-۱۷۱۱. جنگ شماره ۲۴۴۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، برگ ۵۸۰-۵۸۱ و شماره ۲۴۲۴، برگ ۱۱۹ پ.

متروک است و بغیر از این چند قصیده که به مرور ایام به نظر راقم رسیده و در این اوراق مثبت شده^۱، شعر دیگر از او ندیده. یکی از موزونان شهر ما که در شعر، چندان مرتبه‌ای نداشت و خود را از اجله این طایفه می‌پنداشت، دیوان وی به او رسیده بود، بواسطه ضنّت یا حسد که در طبیعت داشت، یا چیزی دیگر، آن دیوان به کسی نمی‌داد، بلکه به یاران نمی‌نمود. لاجرم بعد از فوت وی که زمان فترت دارالمؤمنین کاشان بود، آن دیوان به دست نااهلی شعرنافهمی افتاد و به این طالب نرسید.^۲

پُرآوازه‌ترین سروده قوامی، که نزد قدما، بسیار معتبر بوده^۳، قصیده بدیعیه اوست با عنوان بدایع الاسعار فی صنایع الاشعار بر منوال حدائق السحر فی دقائق الشعر رشید و طواط که به مدح و به نام قزل ارسلان (حک: ۵۸۱-۵۸۷) سروده^۴ و «مشمّل است بر بعضی از علوم بدیع» و «به عذوبت و سلاست الفاظ، آن را مطرّز و مُعَلِّم، و به جزالت و متانت معانی آن را مُسَدِّی و مُلَحَم کرده» است.^۵

قوامی، نخستین بدیعیه‌سرا در ساحه زبان و ادب پارسی است و «در سلوک آن طریق، به درجه‌ای بوده که تمام دانایان فن شریف شعر در شاهراه دانش و بینش، از افکار و اشعار بدیعیه او راهنمونی جُسته‌اند و قصیده‌مصنوع او سند استادان این طرز بدیع و بیّنه این توصیف منیع است».^۶ سرایندگان

۱. در خلاصه الاشعار (نسخه چشمه رحمت) که شرح حال قوامی ذکر شده، ادامه شرح حال او و چند قصیده‌ای که تقی کاشی ثبت کرده بوده، افتاده است.

۲. خلاصه الاشعار، ج ۳، صص ۷-۸.

۳. عرفات العاشقین، ج ۳، ص ۳۳۸۶.

۴. قصیده بدیعیه قوامی، ص ۹.

۵. خلاصه الاشعار، ج ۳، ص ۷.

۶. رساله پیروزی، رک: ص ۸۷.

چند، به پیروی از بدایع الاسحار او، قصاید بدیعیه ساخته و پرداخته‌اند.^۱
 بدایع الاسحار چندان مورد توجه ادبا و دانشوران بوده که در بیشتر آثار
 بلاغی به ابیات آن استناد جسته‌اند و چند شرح بر آن نوشته‌اند که از آن میان،
 سه اثر، شاخص است:

- شرح نجاتی نیشابوری (سده ۸ ق) با عنوان رساله پیروزی و مقاله
 نوروزی.

- شرح عماد باغنوی (در سال ۸۳۹ ق)^۲: باغنوی «در مجلس یکی از اولاد
 حضرت سید المرسلین»، «به طریق مصاحبت، ملازم» بوده، که اشاره کرده
 است «این قصیده را شرحی می‌باید که مجموع صنایع و بدایع مشروح شود و
 از الفاظ عربی به فارسی درآورند تا بعضی اطلاع بر این صنایع ندارند،
 محظوظ شوند». رجوع «این امر خطیر» به عماد باغنوی شده و او با استفاده از
 «کتب اهل این فن، مثل بدیع مفتاح و ایضاح و غیره» این شرح را آغاز کرده و
 در بیست و دوم شعبان ۸۳۲ ق. به اتمام رسانده است.^۳

از شرح باغنوی، دو نسخه در دست است:

دستنویس شماره ۳۸۸۹۳ کتابخانه ملی، کتابت قاسم بن حسین علی در
 سال ۸۸۹ ق.^۴

۱. در این باره، ر.ک: بدیعیه در شعر فارسی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد): تألیف فروزان
 طولی. بدیعیه سرایی در پارسی و عربی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد): تألیف الهام جدی،
 صص ۱۰۵-۱۲۰. قصیده‌های مصنوع: تألیف عباسعلی وفایی. بدایع الافکار فی صنایع
 الاشعار، صص ۱۴-۴۳. «تاریخچه قصاید مصنوع فارسی و دو قصیده ناشناخته از دو
 شاعر گمنام»: علیرضا شعبانلو، فنون ادبی، دوره ۸، شماره ۱ (پیاپی ۱۴)، بهار ۱۳۹۵،
 صص ۱۴۹-۱۷۲. ۲. درباره این شرح، ر.ک: اوراق زرین، صص ۷۸-۸۱.

۳. شرح بدایع الاسحار (باغنوی)، برگ ۲ پ - ۳ ر.

۴. ر.ک: اوراق زرین، صص ۷۸-۸۱.

دستنویس شماره ۵۱۴/۶ فرهنگستان علوم ازبکستان (تاشکند)، تحریر نظام‌الدین احمد بن عبدالله شیرازی در سال ۱۰۲۹ق.^۱

- شرح میرزا فضل‌الله بن ملّا داود خراسانی، مشهور به بدایع‌نگار (۱۲۹۶-۱۳۴۳ق) با عنوان بدایع‌الاشعار (شرح قصیده صنایع الاسحار): میرزا فضل‌الله، بدایع‌نگار آستان قدس رضوی و رئیس فواید عامه خراسان بوده^۲ و در مدرسه مبارکه احمدی دولتی که در مشهد، آقای سلطان‌العلماء (ریاست جلیله معارف خراسان) به نام احمدشاه قاجار، تأسیس کرده بوده، فنون بدیع را در ضمن قصیده بدایع‌الاسحار تدریس و شرح می‌کرده است. او مطابق پرگرام وزارت جلیله معارف راجع به علوم بلاغت، این شرح را نوشته است و در شرح خود، شواهد صنایع را از اشعار اخلاقی و ادبی و محاضراتی قرار داده که «غیر از بدیع، آن شواهد، محلّ حاجت افتد».^۳ شرح بدایع‌نگار، به خطّ علی کرکانی در سال ۱۳۳۶ق. به اهتمام «اقل الناس، اسماعیل، کتابفروش و مدیر کتابخانه علمی در ارض مقدّس (مشهد) در مطبعه آقا مشهدی میرزا آقای طهرانی، در ۱۱۰ صفحه به زیور طبع آراسته» شده است.

بدایع‌الاسحار قوامی، چندین بار منتشر شده^۴ و آخرین تصحیح آن به اهتمام خلیل بیگ‌زاده بر اساس پنج دستنویس کهن آن صورت گرفته، از جمله جنگی که در سال ۱۳۸۱ق. به خط یونس بن ابی‌بکر کتابت شده و دستنویس آن به شماره ۳۷۷۵ در کتابخانه اسماعیل صائب (ترکیه) محفوظ است.^۵

۱. المعجم المفهرس للمخطوطات العربیة والاسلامیة فی طشقند، ج ۲، صص ۴۱-۴۲.

۲. درباره او، ر.ک: دانشنامه جهان اسلام، ج ۲، صص ۴۶۶-۴۶۷.

۳. بدایع‌الاشعار، صص ۵-۶.

۴. ر.ک: گنجینه بهارستان (ادبیات فارسی، دفتر ۱)، ص ۹۵.

۵. گوی بیان، صص ۳۹۱-۴۰۱.

احوال نجاتی نیشابوری

در آبشخورهای کهن، درباره نجاتی نیشابوری، اطلاعات چندانی پیدا نیست و هیچ کس از گذشتگان، اجمالاً یا تفصیلاً، به شرح حال او پرداخته است جز ابن ناصرالدین دمشقی (درگذشته ۸۴۲ق) که از او نام برده و از وجود اثر وی با عنوان شرح قصاید ثلاث (تألیف در سال ۷۲۳ق) اطلاع داده است^۱ و حاجی خلیفه که در کشف الظنون به واسطه معرفتی بدائع الاسحار قوامی مطرزی، شرح او را بر این قصیده گزارش کرده^۲ و در ذیل الیمینی (تاریخ عتبی) از شرح او بر این تاریخ با عنوان بساتین الفضلاء یاد کرده^۳ و نیز در سلم الوصول در دو جا، نام و نسب نجاتی را ذکر نموده است.^۴

تنها از گذار اشاره‌های پراکنده‌ای که از وی در دیباچه آثارش و نیز در چندی از منابع موجود است، می‌توان به دورنمایی از زندگانی فرهنگی و علمی او دست یافت. شماری از پژوهشگران، با توجه به همین اشارات متفرق، سطری چند درباره نجاتی و آثار او رقم زده‌اند که از آن میان، نوشته دوست دانشور، جناب آقای علی صفری آق‌قلعه^۵ بسیار قابل استفاده و استناد است. اما برای شناخت بهتر و بیشتر نجاتی و یا دست کم، ارائه اطلاعاتی نویافته از وی، باید آثارش را که هنوز به زنجیره تحقیق و تصحیح نپیوسته‌اند^۶، به دید مطالعه درنگریست، و از همین طریق، ما به معرفتی او و یادگارهای قلمی‌اش پرداخته‌ایم.

۱. توضیح المشتبه، ج ۱، ص ۳۷۴. ۲. کشف الظنون، ج ۱، ص ۲۲۹.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۰۵۲.

۴. سلم الوصول، ج ۳، ص ۳۱۵، ج ۵، ص ۳۵۹.

۵. ر.ک: فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه کنگره آمریکا، صص ۱۲-۱۲۶.

۶. رسالة الکافیة فی العروض والصنعة والقافیة نجاتی، با پژوهش دوست دانشور، جناب آقای

مسعود راستی‌پور، به چاپ رسیده است. (ر.ک: نذر عارف، صص ۱۷۱-۲۱۰).

نام و نسب

محمود بن عمر بن محمود^۱، مکنی به ابو عبدالله^۲، ملقب به حمیدالدین^۳، و معروف و متخلص به نجاتی^۴.

زادگاه

نجاتی، زاده نیشابور است و با صفت «مفخر بقاع خراسان» ستوده شده^۵.

تاریخ تولد

ابیاتی از نجاتی در مدح نظام الدین یحیی بن وجیه الدین زنگی در رساله پیروزی ثبت شده (ر.ک: ص ۱۸۲) است و با توجه به قتل این خواجه زاده در سال ۷۰۲ق، اگر در این سال، نجاتی، ۳۰ یا ۳۵ سال عمر داشته، پس در فاصله سالهای ۶۶۷-۶۷۲ق زاده شده و در سال ۷۳۸ق که در قید حیات بوده، بین ۶۶ تا ۷۱ بهار را پشت سر گذاشته بوده است.

سفرها

نجاتی در سال ۶۹۰ق که شاهد منازعه لشکر ترک و امرای مغول در نیشابور

۱. اعراب القصائد الثلاث، برگ ۱پ. شرح الرسالة القوسية، برگ ۱پ. بساتین الفضلاء، نسخه اسکوریال، برگ ۲پ. الکافیة فی العروض والصنعة والقافية، ص ۷۹. توضیح المشتبه، ج ۱، ص ۳۷۴. شرح الاشارات والتنبيهات، برگ ۲۲۸ر.

۲. اعراب القصائد الثلاث، برگ ۱پ. شرح الرسالة القوسية، برگ ۱پ. بساتین الفضلاء، نسخه اسکوریال، برگ ۲پ.

۳. شرح الرسالة القوسية، برگ ۱پ. بساتین الفضلاء، نسخه اسکوریال، برگ ۲پ.

۴. ر.ک: منابع مذکور. نیز روضة الناظر، برگ ۲۰۸پ. انیس الخلو، برگ ۹۱پ، ۱۲۰ رو، ۱۲۲ رو. ۵. شرح الرسالة القوسية، برگ ۱پ.

بوده و در این هنگام و هنگامه، شرح الاشارات و التنبیهات خواجه نصیرالدین طوسی را کتابت کرده، در زادگاه خود، نیشابور بوده (ر.ک: ص ۷۵) و ظاهراً پس از این تاریخ، مدّتی این شهر را ترک گفته است.

اهل سفر بوده و به تبریز، شیراز و... سفر کرده است. در قطعه‌ای خطاب به ممدوح، از جدایی شش ساله خود از خانه و خانواده و بازگشت به نیشابور خبر داده است:

- بزرگوارا! شش سال شد که بنده تو

ز مادر و پدر و خان و مانِ خویش جداست

اسیر چرخ شده همچو شمسۀ خورشید

یتیم دهر شده همچو لؤلؤی لالاست

کنون عزیمت آن می‌کند که باز شود

به آشیانه که هنگام عزلت عنفاست

گل امیدش اگر بشکفتد، رواست که او

چو غنچه، بسته دل اندر نسیم لطف شماست^۱

نجاتی، چنانکه از رساله پیروزی برمی‌آید، مدتی در شیراز بوده و با ناصر بجه‌ای شیرازی (درگذشته ۷۱۵ق) مباحثه و مفاوضه داشته است، چنانکه در مقوله قافیه شایگان، نظر ناصر بجه‌ای بر این بوده که «استعمال قافیه شایگان، البته جایز نیست، الا یکی در قصیده» و نجاتی با ایراد نمونه‌هایی از استعمال قافیه شایگان در قصاید شاعران متقدم، نظر او را رد کرده است.^۲

اقامت در تبریز

در تبریز اقامت داشت و با عنوان «مونس خطّه آذربایجان» از او یاد شده

۲. ر.ک: ص ۱۱۵.

۱. ر.ک: ص ۱۶۷. نیز: انیس الخلوّة، برگ ۱۲۲ ر.

است.^۱ ظاهراً دلیل اقامت او در تبریز، وجود رشیدالدین فضل‌الله همدانی در این شهر و ارتباط نجاتی با کانون علمی ربیع رشیدی بوده است.

به سال ۷۱۷ق در تبریز، اجازه روایت بساتین الفضلاء و دیگر کتب ادبی و دواوین عربی را به خلیفه نیشابوری (حدود ۶۹۰-۷۵۰ق) داده است.^۲ در رساله پیروزی از دیدار خود با همام تبریزی (۶۳۶-۷۱۴ق) خبر داده، و در زمان تألیف رساله مذکور، همام زنده نبوده، چرا که از او با عبارت «رحمة الله علیه رحمة واسعة» یاد کرده است.^۳

رساله اعراب القصائد الثلاث را نیز به عبدالملک بن محمد بن علی خالدی تبریزی اتحاف نموده است.^۴ تألیف بساتین الفضلاء را در سال ۷۰۹ق. در تبریز آغاز کرده، و در سال ۷۲۱ق. در همان شهر به پایان رسانده است.^۵ در پانزدهم جمادی الآخره ۷۲۳ق. در ربیع رشیدی بوده، و فردی به نام محمد ظهیری، مدعو به علاء، نسخه‌ای از بساتین الفضلاء را از او خریده است.^۶

همه قراین مذکور، نشانه اقامت نجاتی در تبریز است. از زمان و نحوه ورود او به تبریز، اطلاع در دست نیست، اما از قراین پیدا است که مدت طولانی در این شهر اقامت گزیده بوده است. از سال ۷۰۹ق که تألیف بساتین الفضلاء را در آنجا آغاز کرده، تا سال ۷۲۳ق. که نسخه‌ای از این اثر را در ربیع رشیدی به علاء ابیوردی فروخته، در تبریز مقیم بوده، و یا اینکه متوالیاً به این شهر، رفت و آمد داشته است.

۱. اعراب القصائد الثلاث، برگ ۱ پ. ۲. ر. ک. : سطور پسین.

۳. ر. ک. : ص ۹۱. ۴. اعراب القصائد الثلاث، برگ ۲ پ.

۵. کشف الظنون، ج ۲، ص ۲۰۵۲. ۶. ر. ک. : ص ۴۹.

گستره دانش

نجاتی در روزگار خود، دانشوری شناخته شده بوده و از او با عنوانهای «الامام المحقق والحبر المدقق البازل العجل والفاضل العجل، علامة الدهر، افضل العصر»^۱، «امام فاضل ادیب»^۲، «العالم المحقق»^۳، «حبر مکرم، عالم محقق، فاضل مدقق»^۴، «افتخار الائمة الکرام، سید الادباء ورئيس اهل الفضل والفضلاء، قدوة العلماء والفصحاء من العجم والعرب العربياً، بقية السلف القدماء واستاذ الخلف العقلاء»^۵ و «مولی الامام المعظم المفخم المکرم، ملک ملوک الادباء، سلطان المترسلین والفصحاء، صاحب النظم والنثر، الممتطی بفضائله متون ذوی الفخر»^۶ نام برده شده که این القاب و عناوین، حاکی از مکان و شخصیت والای علمی و فرهنگی او در آن زمان بوده است.

استاد مسلم علوم ادبی و بلاغی بوده و در این دانش‌ها، رساله پیروزی و الکافیة فی العروض والصنعة والقافية را به رشته تألیف درآورده است.

مسلط بر زبان و ادبیات تازی بوده و تألیف بساتین الفضلاء، شرح رساله قوسیة کمال الدین اسمعیل اصفهانی و اعراب القصائد الثلاث، حاکی از تسلط او بر این زبان و ادبیات است.

شاعر بوده و نمونه‌ها و نمودارهایی از سروده‌های او در دست است.

ر.ک: سطور پسین.

۱. خلیفه نیشابوری، الیمینی، دستنویس کتابخانه عزت قویون بک، برگ ۲۱۸ ر.

۲. توضیح المشتبه، ج ۱، ص ۳۷۴.

۳. سلم الوصول، ج ۵، ص ۳۵۹.

۴. ر.ک: ص ۸۵.

۵. اعراب القصائد الثلاث، برگ ۱ پ.

۶. شرح الرسالة القوسیة، برگ ۱ پ.

تاریخ وفات

تاریخ درگذشت نجاتی دانسته نیست. برخی آن را سال ۸۲۰ ق ذکر کرده‌اند^۱ که اشتباه است. وحیدی نوقارزی بیهقی^۲ که رسالة الکافیة فی العروض والصنعة والقافیة را در سال ۷۳۸ ق. کتابت کرده، از او با عبارت «اصلح الله احواله وحقق آماله» یاد کرده^۳ و با این عبارت، می‌توان دانست که تا این سال، زنده بوده است. او در سال ۶۹۰ ق که در نیشابور اقامت داشته، تا سال ۷۳۸ ق که زنده بوده، ۴۸ سال را سپری کرده بوده است.

سالشمار زندگی

- ۶۹۰ ق - اقامت در نیشابور و کتابت شرح الاشارات و التنبیها.
- ۷۰۹ ق تا ۷۲۱ ق - اقامت در تبریز و تألیف بساتین الفضلاء.
- ۷۰۹ ق - اقامت در تبریز و کتابت بساتین الفضلاء (دستنویس شماره ۳۰۰۳ کتابخانه أحمد ثالث).
- ۷۱۳ ق - اقامت در تبریز و تألیف اعراب القصائد الثلاث و کتابت بساتین الفضلاء (دستنویس شماره ۱۶۹۶ کتابخانه اسکوریال).
- ۷۱۵ ق - احتمالاً اقامت در تبریز و کتابت بساتین الفضلاء (دستنویس شماره ۳۳۵۷ کتابخانه نورعثمانیه).
- ۷۱۷ ق - اجازه روایت بساتین الفضلاء و دیگر کتب و دواوین عربی به خلیفه نیشابوری.

۱. هدیة العارفین، ج ۲، ص ۴۰۷.
 ۲. درباره نوقارزی، رک: «نوقارزی بیهقی، کاتب دانشور سده ۸ ق»: بهروز ایمانی، نامه بهارستان، شماره پیاپی ۲۴، پاییز ۱۳۹۷، صص ۷۷-۸۶.
 ۳. الکافیة، برگ ۱ ر.

۷۲۳ق - حضور در ربع رشیدی و فروش نسخه بساتین الفضلاء به علاء ابیوردی.

۷۳۸ق - در قید حیات.

شخصیت‌های معاصر نجاتی

۱. رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۶۴۸-۷۱۸ق): نجاتی، ظاهراً در زمانی که رشیدالدین، متولی ربع رشیدی بوده، به تبریز رفته و در آنجا اقامت گزیده و با این وزیر دانشمند، مراوده و مکاتبه داشته است. نامه‌ای از نجاتی، خطاب به رشیدالدین در دست است که در ضمن آن، مسئله‌ای کلامی درباره «دلایل معرفت صانع و ذات و صفات وی» وجود «اشکالات بسیار و ادله متعارض» راجع به آن، مطرح کرده و رشیدالدین، پاسخ او را داده است. (ر.ک: سطور پسین). نجاتی در این مکتوب، با عبارات پُرطمطراق و ستایش‌آمیز، این دولتمرد و دانشور پُرآوازه را مورد خطاب قرار داده است. ر.ک: سطور پسین.

۲. غیاث‌الدین محمد رشیدی^۱: فرزند رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر دانشور و دانشپور دوره ایلخانی (کشته شده در ۷۳۶ق): نجاتی، پس از رشیدالدین، در شمار مقربان غیاث‌الدین درآمده و به حضور او تردد داشته، چنانکه به عنوان تحفه نوروزی، همین رساله پیروزی را به نام او و برادرش شرف‌الدین احمد نوشته و به آنها اتحاف کرده است.

۳. شرف‌الدین احمد^۲: از نامه‌ای که رشیدالدین به او «به طریق نصیحت

۱. درباره او، ر.ک: زندگی، زمانه و فعالیت‌های غیاث‌الدین محمد رشیدی: تألیف زینب رضایی عارفی. خواجه رشیدالدین فضل‌الله، صص ۱۳۶-۱۵۶.

۲. درباره او، ر.ک: خواجه رشیدالدین فضل‌الله، ص ۱۶۵.

نوشته» معلوم می‌شود که زمانی، حاکم اردبیل بوده است.^۱ بنا به گزارش فصیح خوافی، او به سال ۷۴۳ق. در بغداد درگذشته و همانجا به خاک سپرده شده است.^۲

۴. خربنده / سلطان غیاث‌الدین محمد خدابنده / البجایتو (حک: ۷۰۳-۷۱۶):
نجاتی در ابیاتی که به عنوان شاهد آرایه تنسیق الصفات در رساله پیروزی ذکر کرده، این سلطان ایلخانی را ستوده است:
... جمال گوهر تاج و کمال رونق بخت

شکوه مسجد و محراب و صفدر میدان
بزرگ و سرور و سلطان مشرق و مغرب

شه و شهنشه خربنده، خان ابن الخان (ص ۱۳۳).

۵. عبدالملک بن محمد بن علی خالیدی تبریزی: رساله اعراب القصائد
الثلاث را به نام این قاضی القضاة تبریزی نوشته و بدو اتحاف نموده و با
عناوین و تعبیرات ستایش‌آمیز، از او نام برده است:

... توسلاً ثانیاً الى الجناب العالی، خلاصة الادوار ونقاوة الاكوار، الحبر بن
الهمام والبحر بن القمقام، الخطير بن الخطير والتحرير بن التحرير، الاجل
الاروع والافضل الاروع، شمس مشارق المعالی، اكليل مفارق الاعالی، اقضى
القضاة الاسلام، مبين الحلال والحرام، مربى العلماء، مقوى الضعفاء، ناصر
الشريعة، سالک الطريقة، ماحى البدعة، محيى السنة ... قوام الملة والدين،
نصير الاسلام والمسلمين، عبدالملک بن محمد بن علی الخالیدی
التبریزی....^۳

۱. سوانح الافکار، ص ۵۰.

۲. مجمل فصیحی، ج ۲، ص ۹۱۱.

۳. اعراب القصائد الثلاث، برگ ۲.